

Prediction of Maladaptive and Aggressive Behaviors Through Communication Skills and Separation Anxiety Symptoms in Children Aged 4–6 Years

Mojtaba Tamadoni(PhD)¹

 0000-0000-0000-0000

Nasrin Jafary Majelan²

 0000-0000-0000-0000

Abstract

The present study aimed to predict maladaptive and aggressive behaviors in children aged 4–6 years based on communication skills and separation anxiety symptoms. This research employed a descriptive–correlational design. The statistical population consisted of all children aged 4–6 years in District 5 of Tehran in 2025, with their mothers participating as respondents. A sample of 200 children was selected using cluster random sampling. Data were collected using the Miller Preschool Social–Emotional Skills Screening Questionnaire (1997) and the Nelson Children’s Aggression Questionnaire (2000). Data analysis was conducted using correlation and regression statistical methods. The results indicated that communication skills and separation anxiety symptoms significantly predicted maladaptive and aggressive behaviors in children. Communication skills were significantly associated with a reduction in aggressive behaviors and an increase in adaptive behaviors, whereas separation anxiety symptoms were significantly associated with an increase in aggressive and maladaptive behaviors. The findings suggest that communication skills within family and educational contexts can function as a protective factor against the emergence of behavioral problems in preschool children. In contrast, separation anxiety—particularly in children who receive less emotional support—is associated with more negative behavioral outcomes. These results can be utilized in the design of preventive interventions and educational programs for parents, preschool educators, and child psychology professionals.

Keywords: Maladaptive behaviors; Aggression; Communication skills; Separation anxiety; Preschool children.

1- Assistant professor, Family Counseling psychology, Amiral momenin University, Ahvaz, Iran
M_tamadpni@azad.ac.ir

2- Master s degree, Family Counseling Refah, Tehran, Iran (Corresponding Author)
n.majelan@yahoo.com

پیش‌بینی رفتارهای سازش‌نیافته و پرخاشگرانه از طریق مهارت‌های ارتباطی و نشانگان اضطراب جدایی کودکان ۴ تا ۶ سال

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۵

مجتبی تمدنی^۱

نسرین جعفری ماجلان^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی رفتارهای سازش‌نیافته و پرخاشگرانه در کودکان ۴ تا ۶ سال بر اساس مهارت‌های ارتباطی و نشانگان اضطراب جدایی انجام شد. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه کودکان ۴ تا ۶ سال منطقه ۵ شهر تهران در سال ۱۴۰۴ بود که مادران آن‌ها به‌عنوان پاسخ‌دهنده در مطالعه مشارکت داشتند. نمونه‌ای به حجم ۲۰۰ نفر به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه غربالگری مهارت‌های اجتماعی-هیجانی کودکان پیش‌دبستانی میلر (۱۹۹۷) و پرسش‌نامه پرخاشگری کودکان نیلسون (۲۰۰۰) گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری همبستگی و رگرسیون انجام گرفت. نتایج نشان داد مهارت‌های ارتباطی و نشانگان اضطراب جدایی قادر به پیش‌بینی معنادار رفتارهای سازش‌نیافته و پرخاشگرانه در کودکان هستند. مهارت‌های ارتباطی با کاهش معنادار رفتارهای پرخاشگرانه و افزایش رفتارهای سازش‌یافته رابطه داشتند، درحالی‌که نشانگان اضطراب جدایی به‌طور معناداری با افزایش رفتارهای پرخاشگرانه و سازش‌نیافته همراه بود. یافته‌ها حاکی از آن است که مهارت‌های ارتباطی در بافت‌های خانوادگی و آموزشی می‌توانند به‌عنوان عاملی محافظتی در برابر بروز رفتارهای مشکل‌ساز در کودکان پیش‌دبستانی عمل کنند. درمقابل، اضطراب جدایی، به‌ویژه در کودکانی که از حمایت عاطفی کمتری برخوردارند، با پیامدهای رفتاری منفی‌تری همراه است. این نتایج می‌تواند در طراحی مداخلات پیشگیرانه و برنامه‌های آموزشی برای والدین، مربیان پیش‌دبستانی و متخصصان روان‌شناسی کودک استفاده شود.

کلیدواژه‌ها

رفتارهای سازش‌نیافته، پرخاشگری، مهارت‌های ارتباطی، اضطراب جدایی، کودکان پیش‌دبستانی.

M_tamadpni@azad.ac.ir

۱. استادیار گروه مشاوره، دانشگاه امیرالمؤمنین(ع)، اهواز، ایران

۲. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده غیرانتفاعی غیردولتی رفاه، تهران، ایران

n.majelan@yahoo.com

مقدمه

همان‌طور که می‌دانیم دوره پیش‌دبستانی (۴ تا ۶ سال) یکی از حساس‌ترین مراحل رشد کودکان است که در آن مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری اولیه شکل می‌گیرد. در این دوره، کودکان در تعامل با والدین، مربیان و همسالان، مهارت‌های ارتباطی را می‌آموزند و توانایی تنظیم هیجانات خود را به دست می‌آورند. با این حال، برخی از کودکان با مشکلات رفتاری مانند پرخاشگری و رفتارهای سازش‌نا یافته روبه‌رو می‌شوند که این مشکلات می‌توانند در سال‌های بعدی زندگی تأثیرات منفی بر روابط اجتماعی، تحصیلی و هیجانی آنان داشته باشند (Peterson et al., 2020). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که این مشکلات رفتاری تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله مهارت‌های ارتباطی، اضطراب جدایی و شیوه‌های فرزندپروری قرار دارند (رافعی و دیگران، ۱۳۹۸).

رفتارهای سازش‌نا یافته به مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری، هیجانی و شناختی اطلاق می‌شود که کودک برای مواجهه با فشارها و موقعیت‌های تنش‌زای محیطی به کار می‌گیرد؛ اما این الگوها با سن تقویمی، سطح رشد شناختی و هیجانی و انتظارات اجتماعی و فرهنگی متناسب نیستند. این رفتارها اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت موجب کاهش تنش یا جلب حمایت شوند، در بلندمدت ناکارآمد بوده و رشد سالم اجتماعی، هیجانی و تحصیلی کودک را مختل می‌کنند (Kazdin, 2019). رفتارهای سازش‌نا یافته اغلب بازتاب ناتوانی کودک در شناسایی، بیان و تنظیم هیجان‌ها یا حل مسئله به شیوه‌ای سازنده هستند.

این رفتارها می‌توانند به اشکال متنوعی بروز یابند؛ از جمله پرخاشگری کلامی یا جسمانی، لجبازی، نافرمانی، تکانشگری، قشقرق، کناره‌گیری اجتماعی، گوشه‌گیری یا وابستگی افراطی به والدین. در برخی کودکان، این الگوها به صورت نشانه‌های درونی‌سازی شده مانند اضطراب، ترس‌های شدید، کابوس‌های شبانه یا شکایات جسمانی ظاهر می‌شوند (Sanchez et al., 2025). این نشانه‌ها الزاماً بیانگر وجود اختلال روانی نیستند بلکه بیشتر نشان‌دهنده فشارهای هیجانی حل‌نشده و نیاز کودک به حمایت و مداخله به موقع هستند (Dai & Ouyang, 2025).

مهارت‌های ارتباطی به مجموعه‌ای از توانایی‌های آموختنی گفته می‌شود که فرد را قادر

می‌سازد افکار، احساسات، نیازها و خواسته‌های خود را به شیوه‌ای روشن و متناسب با موقعیت بیان کند و درعین‌حال پیام‌ها و هیجانات دیگران را به‌درستی درک نماید. این مهارت‌ها شامل ابعاد کلامی، شنود فعال و بازخورد مؤثر بوده و فراتر از بیان گفتاری، درک نشانه‌های غیرکلامی و همدلی را نیز دربرمی‌گیرند (Pradhan & Chopra, 2008). در دوران کودکی، مهارت‌های ارتباطی نقش بنیادینی در رشد اجتماعی-هیجانی و پیشگیری از مشکلات رفتاری ایفا می‌کنند (قنبری، و/احدی، ۱۳۹۱).

پرخاشگری به رفتارهای هدفمندی اطلاق می‌شود که با قصد آسیب رساندن جسمانی، کلامی یا روانی به دیگران یا تخریب اموال انجام می‌گیرند. این رفتارها می‌توانند آشکار یا پنهان بوده و از نظر شدت و تداوم متفاوت باشند. پرخاشگری یکی از شایع‌ترین جلوه‌های رفتارهای سازش‌نا یافته در کودکان پیش‌دبستانی است و در صورت تداوم، می‌تواند به الگوی رفتاری پایدار تبدیل شود (Alvarado & Cohen, 2022).

اضطراب جدایی یکی از انواع شایع اضطراب دوران کودکی است که با ترس و نگرانی شدید کودک در هنگام جدایی واقعی یا پیش‌بینی‌شده از والدین یا مراقبان اصلی همراه است. این اضطراب با نشانه‌هایی مانند گریه شدید، بی‌قراری، چسبندگی افراطی، شکایات جسمانی و امتناع از حضور در محیط‌های آموزشی بروز می‌یابد و زمانی اهمیت بالینی می‌یابد که شدت و تداوم آن فراتر از سطح هنجار رشدی کودک باشد (Wood et al., 2021). رفتارهای سازش‌نا یافته پدیده‌ای چندبعدی هستند که حاصل تعامل پیچیده مؤلفه‌های شناختی، هیجانی و رفتاری‌اند. در بُعد شناختی، کودک تمایل دارد رویدادهای محیطی را به‌صورت تحریف‌شده و تهدیدکننده تفسیر کند و از الگوهای فکری ناکارآمدی مانند فاجعه‌سازی، تعمیم افراطی، شخصی‌سازی و انتظار طرد استفاده نماید. این تفسیرها احساس ناایمنی، اضطراب و بی‌اعتمادی را افزایش داده و زمینه بروز رفتارهای اجتنابی یا پرخاشگرانه را فراهم می‌کنند (White et al., 2025; Di Berdis et al., 2025). کیم و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که برخورداری کودکان از مهارت‌های ارتباطی و توانایی بیان مناسب نیازها و هیجان‌ها، با کاهش مشکلات رفتاری و افزایش سازگاری اجتماعی آنان رابطه معناداری دارد. رافعی (۱۳۹۱) نیز گزارش کرد که ضعف در برقراری ارتباط مؤثر و

دشواری در خودابرازی، احتمال بروز رفتارهای ناسازگارانه و مشکلات تعاملی کودکان را افزایش می‌دهد. همچنین، فلینگر و همکاران (۲۰۱۲) و دووگله و همکاران (۲۰۰۵) دریافتند که محدودیت در توانایی‌های ارتباطی کودکان با افزایش رفتارهای سازش‌نیافته همراه است و تقویت این مهارت‌ها می‌تواند به تنظیم بهتر رفتار و تعامل سازگارانه‌تر با دیگران کمک کند.

در بُعد هیجانی، ناتوانی در تنظیم هیجان‌ها نقش محوری دارد و می‌تواند به صورت اضطراب مزمن، شرم یا گناه افراطی، خشم فروخورده یا انفجاری و حتی بی‌حسی هیجانی بروز یابد (Stetsenko, 2017; Dion et al., 2024). این وضعیت‌ها ظرفیت کودک برای مواجهه سازگارانه با موقعیت‌های اجتماعی را کاهش داده و احتمال بروز رفتارهای سازش‌نیافته را افزایش می‌دهند.

بُعد رفتاری شامل الگوهای آشکاری مانند اجتناب، تکانشگری و وابستگی ناسالم است که کودک برای کنار آمدن با فشارهای هیجانی به کار می‌گیرد. این الگوها اگرچه در کوتاه‌مدت ممکن است اضطراب را کاهش دهند، در بلندمدت مانع رشد استقلال، خودکارآمدی و مهارت‌های اجتماعی می‌شوند (خدایاری‌فرد و یوسفی، ۱۳۹۲).

از منظر نظری، رویکردهای روان‌تحلیلی، رفتاری، شناختی-رفتاری و رشدی-اجتماعی هر یک به تبیین رفتارهای سازش‌نیافته پرداخته‌اند. نظریه یادگیری اجتماعی بندورا بر نقش مشاهده، تقلید و تقویت تأکید دارد، درحالی‌که رویکرد شناختی-رفتاری بر نقش افکار تحریف‌شده و تنظیم‌نشدن هیجان‌ها تمرکز می‌کند (بهرامی و نریمانی، ۱۳۹۴).

در تبیین اضطراب جدایی، نظریه دلبستگی بالبی و نظریه جدایی-تفرد ماهر جایگاه ویژه‌ای دارند. بر اساس این دیدگاه‌ها، دلبستگی ناایمن و اختلال در فرایند استقلال‌یابی می‌تواند به تداوم اضطراب جدایی و بروز رفتارهای ناسازگارانه منجر شود (Crain, 1993; Lomas, 2021).

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد ضعف در مهارت‌های ارتباطی با افزایش رفتارهای پرخاشگرانه و سازش‌نیافته در کودکان همراه است (رافعی و همکاران، ۱۳۹۸; Tutkan & Meral, 2025). کودکانی که توانایی بیان هیجانات، گوش دادن و حل تعارض را ندارند، در

موقعیت‌های اجتماعی بیشتر به واکنش‌های تکانشی متوسل می‌شوند (Avordik et al., 2025). همچنین پژوهش‌ها حاکی از آن است که سطوح بالای اضطراب جدایی با ناتوانی در تنظیم هیجان، کناره‌گیری اجتماعی و افزایش رفتارهای ناسازگارانه مرتبط است (خورشیدیوند و رضایی، ۱۳۹۶؛ رادمنش و همکاران، ۱۳۹۷). با این حال، بیشتر مطالعات این متغیرها را به صورت جداگانه بررسی کرده‌اند و پژوهش‌های اندکی به بررسی همزمان نقش مهارت‌های ارتباطی و اضطراب جدایی در پیش‌بینی رفتارهای سازش‌نا یافته و پرخاشگرانه، به ویژه در کودکان پیش‌دبستانی، پرداخته‌اند (موسوی، ۱۳۹۰؛ محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۹).

با وجود آنکه رفتارهای سازش‌نا یافته و پرخاشگرانه در سال‌های پیش‌دبستانی از جمله شاخص‌های مهم دشواری‌های هیجانی - رفتاری کودکان محسوب می‌شوند، بخش قابل‌توجهی از پژوهش‌های موجود بیشتر بر عوامل فردی، خانوادگی یا سبک‌های فرزندپروری تمرکز داشته‌اند و نقش همزمان مهارت‌های ارتباطی و نشانگان اضطراب جدایی در تبیین این رفتارها کمتر به صورت یکپارچه بررسی شده است. سنین ۴ تا ۶ سال، دوره‌ای حساس در رشد اجتماعی، تنظیم هیجان و شکل‌گیری الگوهای تعامل با همسالان و بزرگسالان است؛ بنابراین ضعف در مهارت‌های ارتباطی می‌تواند توانایی کودک را در بیان نیازها، حل تعارض و برقراری رابطه مؤثر کاهش دهد و زمینه بروز رفتارهای پرخاشگرانه یا ناسازگارانه را فراهم سازد. از سوی دیگر، اضطراب جدایی نیز ممکن است با افزایش وابستگی، ناایمنی هیجانی، اجتناب از موقعیت‌های اجتماعی و دشواری در سازگاری با محیط‌های آموزشی و جمعی، به تشدید مشکلات رفتاری کودکان منجر شود. با این حال، در ادبیات پژوهشی، رابطه میان اضطراب جدایی و رفتارهای برون‌نمود مانند پرخاشگری در کودکان پیش‌دبستانی به اندازه کافی روشن نشده است؛ زیرا اضطراب جدایی اغلب به عنوان یک مشکل درون‌نمود بررسی شده و ارتباط آن با رفتارهای سازش‌نا یافته کمتر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، بسیاری از مطالعات موجود به بررسی گروه‌های سنی بالاتر یا جمعیت‌های بالینی پرداخته‌اند و یافته‌های آن‌ها لزوماً قابل تعمیم به کودکان ۴ تا ۶ سال در بافت‌های عادی آموزشی و شهری نیست. از سوی دیگر، ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی مناطق مختلف شهری، از جمله منطقه ۵ شهر تهران، می‌تواند بر الگوهای

ارتباطی کودکان، تجربه اضطراب جدایی و شکل‌گیری رفتارهای پرخاشگرانه اثرگذار باشد؛ اما پژوهش‌های بومی و منطقه‌ای در این زمینه محدود است.

بنابراین، شکاف اصلی پژوهش حاضر در نبود مطالعه‌ای منسجم نهفته است که بتواند به‌طور هم‌زمان نقش مهارت‌های ارتباطی و نشانگان اضطراب جدایی را در پیش‌بینی رفتارهای سازش‌نیافته و پرخاشگرانه کودکان ۴ تا ۶ سال بررسی کند. پرداختن به این شکاف می‌تواند از نظر نظری به روشن‌تر شدن سازوکارهای هیجانی و ارتباطی مؤثر بر مشکلات رفتاری کودکان کمک کند و از نظر کاربردی نیز مبنایی برای طراحی مداخلات پیشگیرانه، آموزشی و مشاوره‌ای در مهدکودک‌ها، مراکز پیش‌دبستانی و خانواده‌ها فراهم آورد. براین اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که: آیا مهارت‌های ارتباطی و نشانگان اضطراب جدایی قادرند رفتارهای سازش‌نیافته و پرخاشگرانه کودکان ۴ تا ۶ سال منطقه ۵ شهر تهران را پیش‌بینی کنند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر روش، مطالعه‌ای توصیفی است و با توجه به اینکه در آن روابط بین متغیرها مورد بررسی و سنجش قرار می‌گیرد، از حیث ماهیت در زمره پژوهش‌های همبستگی قرار دارد. این رویکرد امکان تحلیل الگوهای ارتباطی میان متغیرهای مورد مطالعه را در بستر طبیعی فراهم می‌سازد و به تبیین همزمان سازه‌های رفتاری و هیجانی کودکان کمک می‌کند. از منظر هدف نیز، با توجه به قابلیت به‌کارگیری نتایج در برنامه‌ریزی‌های آموزشی، تصمیم‌گیری‌های تخصصی و ارتقای آگاهی خانواده‌ها، پژوهش حاضر ماهیتی کاربردی دارد. جامعه آماری این پژوهش را کودکان پیش‌دبستانی ۴ تا ۶ سال منطقه ۵ شهر تهران در سال ۱۴۰۴ تشکیل می‌دهند. گردآوری داده‌ها از طریق مادران این کودکان انجام شد؛ زیرا آنان به‌عنوان نزدیک‌ترین مراقبان، درک دقیق‌تری از رفتارها و واکنش‌های هیجانی فرزندان خود دارند. انتخاب مادران به‌عنوان پاسخ‌دهندگان، اعتبار اکولوژیک داده‌ها را افزایش می‌دهد و امکان ارزیابی واقع‌بینانه‌تر رفتار کودک را فراهم می‌کند. در تعیین حجم نمونه برای مدل‌های همبستگی و ساختاری، در ادبیات پژوهش توافق کلی وجود ندارد

(Schreiber et al., 2006). با این حال، بسیاری از پژوهشگران حداقل حجم نمونه ۲۰۰ نفر را برای دستیابی به برآوردهای پایا و قابل اعتماد پیشنهاد کرده‌اند (Kline, 2011; Hoelter, 1983; حبیبی، ۱۳۹۳). بر همین اساس، در پژوهش حاضر تعداد ۲۰۰ پرسش‌نامه سالم و قابل تحلیل جمع‌آوری شد. این حجم نمونه امکان آزمون روابط بین متغیرها و افزایش توان آماری تحلیل‌ها را فراهم ساخت. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش، نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی بود. به‌کارگیری این روش با توجه به گستردگی جامعه آماری و ساختار جغرافیایی مراکز پیش‌دبستانی، انتخاب نمونه‌ای نماینده از جامعه هدف را امکان‌پذیر ساخت. این شیوه نمونه‌گیری در مجموع به افزایش دقت نتایج و تعمیم‌پذیری یافته‌ها کمک کرده است.

ابزارهای پژوهش

برای گردآوری داده‌های پژوهش حاضر از پرسش‌نامه‌های استاندارد و معتبر استفاده شد تا متغیرهای مورد نظر، یعنی رفتارهای سازش‌نا یافته، مهارت‌های ارتباطی، نشانگان اضطراب جدایی و رفتارهای پرخاشگرانه کودکان ۴ تا ۶ سال، با دقت و روایی مناسب سنجیده شوند. در این راستا، برای سنجش رفتارهای سازش‌نا یافته، مهارت‌های ارتباطی و نشانگان اضطراب جدایی از پرسش‌نامه استاندارد غربالگری مهارت‌های اجتماعی - هیجانی کودکان پیش‌دبستانی میلر استفاده شد. این پرسش‌نامه به منظور ارزیابی مهارت‌های اجتماعی - هیجانی کودکان پیش‌دبستانی طراحی شده و در ایران توسط دادستان، عسگری، رحیم‌زاده و بیات (۱۳۸۹) اعتباریابی و رواسازی شده است. پرسش‌نامه مذکور دارای ۵۰ پرسش و ۶ مؤلفه شامل رفتارهای سازش‌نا یافته/فزون‌کنشی، مهارت اجتماعی، مهارت ارتباطی، مهارت زندگی روزمره، رفتار تغذیه بد و اضطراب جدایی است که در پژوهش حاضر از میان آن‌ها سه مؤلفه رفتارهای سازش‌نا یافته/فزون‌کنشی، مهارت‌های ارتباطی و نشانگان اضطراب جدایی مورد استفاده قرار گرفت. تعداد پرسش‌های مربوط به این مؤلفه‌ها به ترتیب ۱۵ پرسش برای رفتارهای سازش‌نا یافته/فزون‌کنشی، ۸ پرسش برای مهارت‌های ارتباطی و ۵ پرسش برای نشانگان اضطراب جدایی است. شیوه نمره‌گذاری این پرسش‌نامه بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت از هرگز تا همیشه و با دامنه ۱ تا ۵

انجام می‌شود. به این صورت که برای محاسبه امتیاز هر زیرمقیاس، نمره گویه‌های مربوط به همان زیرمقیاس با یکدیگر جمع می‌شود و برای محاسبه نمره کل نیز مجموع نمرات همه گویه‌ها در نظر گرفته می‌شود. نمره بالاتر در این پرسش‌نامه نشان‌دهنده سطح بالاتر مهارت‌های اجتماعی - هیجانی در کودک است. در پژوهش دادستان و همکاران (۱۳۸۹)، روایی محتوایی، صوری و ملاکی این ابزار مناسب گزارش شده و ضریب آلفای کرونباخ آن نیز ۷۸/۰ برآورد شده است که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول این مقیاس است.

همچنین، برای سنجش رفتارهای پرخاشگرانه از پرسش‌نامه پرخاشگری کودکان نیلسون (۲۰۰۰) استفاده شد. این پرسش‌نامه دارای ۴۳ پرسش است و با هدف سنجش میزان پرخاشگری در کودکان پیش‌دبستانی از ابعاد مختلف طراحی شده است. ابعاد این ابزار شامل پرخاشگری کلامی - تهاجمی، پرخاشگری فیزیکی - تهاجمی، پرخاشگری رابطه‌ای و خشم تکانشی است. از میان ۴۳ پرسش این پرسش‌نامه، پرسش‌های ۱ تا ۱۴ به بعد پرخاشگری کلامی - تهاجمی، پرسش‌های ۱۵ تا ۲۷ به پرخاشگری فیزیکی - تهاجمی، پرسش‌های ۲۸ تا ۳۶ به پرخاشگری رابطه‌ای و پرسش‌های ۳۷ تا ۴۲ به خشم تکانشی اختصاص دارد. شیوه نمره‌گذاری این پرسش‌نامه نیز بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت از «اصلاً» تا «اغلب روزها» و با دامنه ۰ تا ۴ انجام می‌شود. برای به دست آوردن امتیاز هر بعد، مجموع نمرات گویه‌های همان بعد محاسبه می‌شود و امتیاز کل پرسش‌نامه نیز از جمع نمرات تمامی پرسش‌ها حاصل می‌گردد. دامنه نمره کل این مقیاس بین ۰ تا ۱۶۸ متغیر است و نمرات بالاتر نشان‌دهنده میزان بیشتر پرخاشگری در کودکان است. روایی و پایایی این پرسش‌نامه در پژوهش واحدی و همکاران (۱۳۸۷) بررسی شده است. برای ارزیابی روایی سازه این ابزار از تحلیل عاملی استفاده شد و نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی پس از چرخش واریماکس، چهار عامل پرخاشگری کلامی - تهاجمی، پرخاشگری فیزیکی - تهاجمی، پرخاشگری رابطه‌ای و خشم تکانشی را تأیید کرد که نشان‌دهنده روایی سازه مطلوب پرسش‌نامه است. همچنین، ضریب آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه ۰/۹۸ گزارش شده که بیانگر پایایی بسیار مناسب این ابزار است.

در پژوهش حاضر نیز به منظور بررسی پایایی ابزارها، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده

شد. نتایج نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ برای رفتارهای پرخاشگرانه ۰/۸۳۱، برای رفتارهای سازش‌نا یافته ۰/۸۲۸، برای مهارت‌های ارتباطی ۰/۷۹۴ و برای نشانگان اضطراب جدایی ۰/۷۶۷ به دست آمده است. از آنجاکه تمامی این ضرایب بالاتر از ۰/۷ دهم هستند، می‌توان نتیجه گرفت که ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش از پایایی مطلوب و قابل قبولی برخوردار بوده‌اند؛ بنابراین، پرسش‌نامه‌های انتخاب‌شده به دلیل استاندارد بودن، برخورداری از شواهد مناسب روایی و پایایی، و تناسب با جامعه آماری پژوهش، ابزارهای مناسبی برای گردآوری داده‌های این مطالعه محسوب می‌شوند.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، به منظور فراهم‌سازی زمینه‌ای روشن برای تحلیل یافته‌ها، توصیف داده‌های حاصل از پژوهش ارائه می‌شود. داده‌ها با استفاده از چهار پرسش‌نامه رفتارهای پرخاشگرانه، رفتارهای سازش‌نا یافته، مهارت‌های ارتباطی و نشانگان اضطراب جدایی گردآوری شده‌اند. آمار توصیفی این متغیرها امکان شناخت اولیه از الگوی توزیع نمرات، گرایش مرکزی و میزان پراکندگی داده‌ها را فراهم می‌سازد. بررسی توصیفی داده‌ها گامی ضروری پیش از انجام تحلیل‌های استنباطی و آزمون فرضیه‌های پژوهش به شمار می‌رود. در ادامه، شاخص‌های توصیفی هر یک از پرسش‌نامه‌ها به صورت تفکیک‌شده و منسجم گزارش و تفسیر می‌شوند.

جدول ۱: داده‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشدگی	کمترین	بیشترین
پرخاشگری کلامی - تهاجمی	۳۶/۵۳	۱۰/۵۷۱	۰/۰۰۱	-۰/۸۳۵	۱۶	۶۰
پرخاشگری فیزیکی - تهاجمی	۳۱/۳۰	۱۰/۵۱۸	۰/۵۶۶	-۰/۷۸۸	۱۵	۵۴
پرخاشگری رابطه‌ای	۲۳/۴۷	۶/۹۰۸	۰/۳۰۰	-۰/۵۹۶	۱۰	۳۹
خشم تکانشی	۱۵/۴۱	۴/۸۲۵	۰/۴۹۲	-۰/۲۰۲	۶	۳۰
رفتارهای پرخاشگرانه	۱۰۶/۷۲	۲۶/۴۱۹	۰/۳۵۷	-۰/۶۰۴	۵۳	۱۷۶

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	کمترین	بیشترین
رفتارهای سازش‌نایافته	۴۳/۹۱	۷/۶۴۱	۰/۰۴۹	-۰/۴۳۷	۲۷	۶۱
مهارت‌های ارتباطی	۲۶/۱۱	۵/۷۱۱	۰/۰۱۶	-۰/۳۵۴	۱۲	۳۹
نشانگان اضطراب جدایی	۱۴/۰۵	۵/۰۰۵	-۰/۳۲۹	-۱/۲۶۳	۵	۲۲

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که در میان مؤلفه‌های رفتارهای پرخاشگرانه، پرخاشگری کلامی-تهاجمی با میانگین ۳۶/۵۳ و انحراف معیار ۱۰/۵۷۱ بالاترین مقدار را به خود اختصاص داده است که بیانگر شیوع بیشتر این نوع رفتار در نمونه پژوهش است. درمقابل، خشم‌تکانشی با میانگین ۱۵/۴۱ و انحراف معیار ۴/۸۲۵ کمترین میزان را نشان می‌دهد. میانگین کلی شاخص رفتارهای پرخاشگرانه برابر با ۱۰۶/۷۲ و انحراف معیار ۲۶/۴۱۹ است که حاکی از سطح نسبتاً قابل‌توجه و پراکندگی نمرات در این متغیر می‌باشد. همچنین، شاخص رفتارهای سازش‌نایافته با میانگین ۴۳/۹۱ و انحراف معیار ۷/۶۴۱ در سطح متوسط ارزیابی می‌شود. درنهایت، میانگین مهارت‌های ارتباطی (۲۶/۱۱ با انحراف معیار ۵/۷۱۱) و نشانگان اضطراب جدایی (۱۴/۰۵ با انحراف معیار ۵/۰۰۵) بیانگر تفاوت‌های فردی قابل‌توجه در این متغیرها در میان کودکان مورد مطالعه است. برای بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش، با توجه به نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و نرمال بودن داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج مربوط به این آزمون در جدول ۲ داده شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱ پرخاشگری کلامی-تهاجمی	۰/۵۵۸**	۰/۲۸۵**	۰/۴۷۴**	۰/۷۸۳**	۰/۳۴۴**	-۰/۳۷۴**	۰/۲۸۶**
۲ پرخاشگری فیزیکی-تهاجمی	۱	۰/۵۶۸**	۰/۶۷۹**	۰/۸۹۴**	۰/۲۹۶**	-۰/۳۱۷**	۰/۲۳۲**
۳ پرخاشگری رابطه‌ای		۱	۰/۵۸۷**	۰/۷۰۹**	۰/۱۴۸*	-۰/۲۰۱**	۰/۳۹۴**

متغیر	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۴ خشم تکانشی	۱		۰/۷۹۶**	۰/۲۵۴**	-۰/۲۸۳**	۰/۲۸۴**	
۵ رفتارهای پرخاشگرانه			۱	۰/۳۴۱**	-۰/۳۸۰**	۰/۶۲**	
۶ رفتارهای سازش‌نا یافته				۱	-۰/۳۶۳**	۰/۴۶۲**	
۷ مهارت‌های ارتباطی					۱	-۰/۴۰۴**	
۸ نشانگان اضطراب جدایی							۱

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است. * همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است

در این بخش، به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش و بررسی میزان تأثیرگذاری متغیرها بر یکدیگر، از روش رگرسیون استفاده می‌شود. پیش از اجرای آن، مفروضه‌های اصلی این تحلیل ارزیابی شدند. نتایج بررسی‌ها نشان داد که این مفروضه‌ها در پژوهش حاضر برقرار بوده‌اند. در بررسی همگن بودن واریانس خطاها، پراکنش باقیمانده‌ها در برابر مقادیر پیش‌بینی شده فاقد الگوی مشخص بود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که واریانس خطاها همگن است.

برای بررسی استقلال خطاها از آماره دوربین - واتسون استفاده شد. مقدار این آماره برابر با ۲/۴۰۲ به دست آمد که در بازه قابل قبول ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد؛ از این رو، فرض استقلال باقیمانده‌ها تأیید شد. به منظور بررسی نرمال بودن خطاها، توزیع باقیمانده‌ها از طریق هیستوگرام و نمودار احتمال - احتمال (P-P) ارزیابی شد. نتایج نشان داد که توزیع باقیمانده‌ها تقریباً نرمال است، میانگین خطاها نزدیک به صفر و انحراف معیار نزدیک به یک بوده و نقاط در نمودار P-P نیز تقریباً بر روی خط مستقیم قرار گرفته‌اند؛ بنابراین، فرض نرمال بودن باقیمانده‌ها پذیرفته شد. برای بررسی هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین، شاخص‌های تولرانس و عامل تورم واریانس (VIF) محاسبه شد. مقدار تولرانس برای هر دو متغیر مهارت‌های ارتباطی و نشانگان اضطراب جدایی برابر با ۰/۸۳۷ و مقدار VIF نیز برابر با ۱/۱۹۵ بود. با توجه به اینکه مقدار تولرانس بیشتر از ۰/۵ و مقدار VIF

کمتر از ۱۰ است، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مستقل هم‌خطی چندگانه وجود ندارد. درمجموع، یافته‌ها نشان داد که تمامی پیش‌فرض‌های لازم برای اجرای تحلیل رگرسیون در این پژوهش برقرار بوده و بنابراین استفاده از این روش آماری برای آزمون فرضیه‌های پژوهش بلامانع است.

فرضیه اول: رفتارهای سازش‌نایافته بر اساس مهارت‌های ارتباطی قابل پیش‌بینی است. برای پیش‌بینی رفتارهای سازش‌نایافته (متغیر وابسته) بر اساس مهارت‌های ارتباطی (متغیر مستقل) از رگرسیون دو متغیره استفاده شده است. نتایج مربوط به این آزمون در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون دو متغیره برای پیش‌بینی رفتارهای سازش‌نایافته بر اساس مهارت‌های ارتباطی

گویه	β	β (استاندارد شده)	آماره آزمون t	سطح معناداری	R	R^2	آزمون معناداری رگرسیون	
							آماره آزمون F	سطح معناداری
(ضریب ثابت)	۵۶/۵۷۶	--	۲۳/۸۹۱	۰/۰۰۱				
مهارت‌های ارتباطی	-۰/۴۸۵	-۰/۳۶۳	-۵/۴۷۴	۰/۰۰۱	۰/۳۶۳	۰/۱۳۱	۲۹/۹۶۸	۰/۰۰۱

با توجه به مقدار آماره آزمون F و سطح معناداری مربوطه، نتیجه می‌شود که رگرسیون معنادار است. همچنین ضریب تعیین برابر ۰/۱۳۱ به دست آمده است که بیانگر آنست که ۱۳/۱ درصد از تغییرات مربوط به رفتارهای سازش‌نایافته توسط طرحواره مهارت‌های ارتباطی قابل تبیین و توضیح می‌باشد. با توجه به ضرائب β به دست آمده، می‌توان رابطه بین متغیرهای مورد بررسی را به صورت زیر فرمول‌بندی نمود:

$$(\text{مهارت‌های ارتباطی}) \times (-0/485) + 56/576 = \text{رفتارهای سازش‌نایافته}$$

با توجه به منفی بودن مقدار β ، مهارت‌های ارتباطی با رفتارهای سازش‌نایافته رابطه منفی دارد.

فرضیه دوم: رفتارهای سازش‌نایافته بر اساس نشانگان اضطراب جدایی قابل پیش‌بینی است.

برای پیش‌بینی رفتارهای سازش‌نایافته (متغیر وابسته) بر اساس مهارت‌های ارتباطی (متغیر مستقل) از رگرسیون دومتغیره استفاده شده است. نتایج مربوط به این آزمون در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون دومتغیره برای پیش‌بینی رفتارهای سازش‌نایافته بر اساس مهارت‌های ارتباطی

گویه	β	β	آماره آزمون t	سطح معناداری	R	R^2	آزمون معناداری رگرسیون	
							آماره آزمون F	سطح معناداری
(ضریب ثابت)	۳۳/۹۹۹	--	۲۳/۶۹۷	۰/۰۰۱				
مهارت‌های ارتباطی	۰/۷۰۵	۰/۴۶۲	۷/۳۳۱	۰/۰۰۱	۰/۴۶۲	۰/۲۱۳	۵۳/۷۴۷	۰/۰۰۱

با توجه به مقدار آماره آزمون F و سطح معناداری مربوطه، نتیجه می‌شود که رگرسیون معنادار است. همچنین ضریب تعیین برابر ۰/۲۱۳ به‌دست آمده است که بیانگر آن است که ۲۱/۳ درصد از تغییرات مربوط به مهارت‌های ارتباطی توسط طرحواره محرومیت هیجانی والدین قابل تبیین و توضیح است. با توجه به ضرائب β به‌دست آمده، می‌توان رابطه بین متغیرهای مورد بررسی را به‌صورت زیر فرمول‌بندی نمود:

$$(\text{مهارت‌های ارتباطی}) \times (۰/۷۰۵) + ۳۳/۹۹۹ = \text{رفتارهای سازش‌نایافته}$$

با توجه به منفی بودن مقدار β ، مهارت‌های ارتباطی با رفتارهای سازش‌نایافته رابطه منفی دارد.

فرضیه سوم: رفتارهای پرخاشگرانه بر اساس مهارت‌های ارتباطی قابل پیش‌بینی است. پیش‌بینی رفتارهای پرخاشگرانه (متغیر وابسته) بر اساس مهارت‌های ارتباطی (متغیر مستقل) از رگرسیون دومتغیره استفاده شده است. نتایج مربوط به این آزمون در جدول

۵ داده شده است.

جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون دومتغیره برای پیش‌بینی رفتارهای پرخاشگرانه بر اساس مهارت‌های ارتباطی

گویه	β	β (استاندارد شده)	آماره آزمون t	سطح معناداری	R	R^2	آزمون معناداری رگرسیون	
							آماره آزمون F	سطح معناداری
(ضریب ثابت)	۱۵۲/۶۲۱	—	۱۹/۰۶۸	۰/۰۰۱				
مهارت-					۰/۳۸۸	۰/۱۵۱	۳۵/۰۸۷	۰/۰۰۱
های	-۱/۷۷۴	-۰/۳۸۸	-۵/۹۲۳	۰/۰۰۱				
ارتباطی								

با توجه به مقدار آماره آزمون F و سطح معناداری مربوطه، نتیجه می‌شود که رگرسیون معنادار است. همچنین ضریب تعیین برابر ۰/۱۵۱ به دست آمده که بیانگر آن است که ۱۵/۱ درصد از تغییرات مربوط به رفتارهای پرخاشگرانه توسط مهارت‌های ارتباطی قابل تبیین و توضیح است. با توجه به ضرائب β به دست آمده، می‌توان رابطه بین متغیرهای مورد بررسی را به صورت زیر فرمول‌بندی نمود:

$$(\text{مهارت‌های ارتباطی}) \times (-1/774) + 152/621 = \text{رفتارهای پرخاشگرانه}$$

با توجه به منفی بودن مقدار β ، مهارت‌های ارتباطی با رفتارهای پرخاشگرانه رابطه منفی دارد.

فرضیه چهارم: رفتارهای پرخاشگرانه بر اساس نشانگان اضطراب جدایی قابل پیش‌بینی است.

برای پیش‌بینی رفتارهای پرخاشگرانه (متغیر وابسته) بر اساس نشانگان اضطراب جدایی (متغیر مستقل) از رگرسیون دومتغیره استفاده شده است. نتایج مربوط به این آزمون در جدول شماره ۶ آمده است.

جدول ۶. نتایج تحلیل رگرسیون دومتغیره برای پیش‌بینی رفتارهای پرخاشگرانه بر اساس نشانگان اضطراب جدایی

گویه	β	β	آماره آزمون t	سطح معناداری	R	R^2	آزمون معناداری رگرسیون	
							آماره آزمون F	سطح معناداری
(ضریب ثابت)	۷۸/۸۱۷	--	۱۵/۳۷۷	۰/۰۰۱				
نشانگان					۰/۳۷۵	۰/۱۴۱	۳۲/۳۷۸	۰/۰۰۱
اضطراب	۱/۹۵۶	۰/۳۷۵	۵/۶۹۰					
جدایی				۰/۰۰۱				

با توجه به مقدار آماره آزمون F و سطح معناداری مربوطه، نتیجه می‌شود که رگرسیون معنادار است. همچنین ضریب تعیین برابر ۰/۱۴۱ به دست آمده که بیانگر آن است که ۱۴/۱ درصد از تغییرات مربوط به رفتارهای پرخاشگرانه توسط نشانگان اضطراب جدایی قابل تبیین و توضیح است. با توجه به ضرایب β به دست آمده، می‌توان رابطه بین متغیرهای مورد بررسی را به صورت زیر فرمول‌بندی نمود:

$$(\text{نشانگان اضطراب جدایی}) \times (۱/۹۵۶) + ۷۸/۸۱۷ = \text{رفتارهای پرخاشگرانه}$$

با توجه به منفی بودن مقدار β ، نشانگان اضطراب جدایی با رفتارهای پرخاشگرانه رابطه منفی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که مهارت‌های ارتباطی و نشانگان اضطراب جدایی، هر دو، در پیش‌بینی رفتارهای سازش‌نا یافته و پرخاشگرانه کودکان ۴ تا ۶ سال نقش معناداری دارند. این یافته‌ها از یک سو با بخش مهمی از ادبیات داخلی و خارجی همسو است و از سوی دیگر، نشان می‌دهد که مشکلات رفتاری کودکان در این دوره سنی باید در پیوند با کیفیت تعاملات اجتماعی و وضعیت امنیت هیجانی آنان تبیین شود. درواقع، اهمیت نتایج حاضر تنها در تأیید

پژوهش‌های پیشین نیست بلکه در روشن ساختن این نکته است که چرا این متغیرها در سنین پیش‌دبستانی می‌توانند زمینه‌ساز یا بازدارنده مشکلات رفتاری باشند.

در فرضیه نخست، نتایج نشان داد که مهارت‌های ارتباطی به صورت منفی و معنادار رفتارهای سازش‌نا یافته را پیش‌بینی می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های کیم و همکاران (۲۰۱۱)، رافعی (۱۳۹۱)، فلینگر و همکاران (۲۰۱۲) و دووگله و همکاران (۲۰۰۵) همسو است. همسویی این نتایج را می‌توان ناشی از آن دانست که در بیشتر این مطالعات نیز بر نقش توانایی کودک در بیان نیازها، درک پیام‌های اجتماعی و مدیریت تعاملات روزمره تأکید شده است. به بیان دیگر، هرچه کودک در برقراری ارتباط مؤثر ناتوان‌تر باشد، احتمال بیشتری دارد که ناکامی‌ها و تنش‌های خود را در قالب رفتارهای ناسازگارانه نشان دهد. یافته حاضر از این نظر با پیشینه همخوان است که مهارت ارتباطی را نه صرفاً یک توانایی اجتماعی، بلکه نوعی منبع تنظیم‌کننده رفتار می‌داند؛ البته تفاوت احتمالی در شدت این رابطه با برخی مطالعات پیشین می‌تواند ناشی از تفاوت در بافت فرهنگی، سن کودکان، ابزار اندازه‌گیری و نوع گزارش‌دهندگان باشد؛ زیرا در کودکان ۴ تا ۶ سال، وابستگی به محیط خانواده و مهدکودک بیش از سنین بالاتر است و همین امر می‌تواند نقش مهارت‌های ارتباطی را برجسته‌تر کند. از نظر تبیینی نیز می‌توان گفت کودکانی که بهتر می‌توانند خواسته‌ها، ناراحتی‌ها و تعارض‌های خود را به زبان و رفتار مناسب بیان کنند، کمتر به مخالفت‌ورزی، بی‌قراری، کنش‌های تکانشی و سایر رفتارهای سازش‌نا یافته متوسل می‌شوند؛ بنابراین، معناداری این رابطه به نقش مهارت‌های ارتباطی در کاهش ناکامی، تسهیل خودابرازی و افزایش سازگاری اجتماعی بازمی‌گردد.

در فرضیه دوم، یافته‌ها نشان داد که نشانگان اضطراب جدایی پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار رفتارهای سازش‌نا یافته است. این نتیجه با یافته‌های طلایی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۵)، خورشیدوند و رضایی (۱۳۹۶) و نیز برخی پژوهش‌های جدید بین‌المللی همخوانی دارد. وجه اشتراک این مطالعات با پژوهش حاضر در آن است که همگی اضطراب جدایی را عاملی مؤثر در تضعیف انطباق کودک با موقعیت‌های اجتماعی و آموزشی می‌دانند. درواقع، کودکی که در جدایی از چهره دلبستگی احساس ناایمنی می‌کند، در رویارویی با محیط‌های

جدید و الزامات اجتماعی روزمره، آمادگی کمتری برای پاسخ‌دهی سازگارانه دارد. این همسویی نشان می‌دهد که اضطراب جدایی، صرف‌نظر از تفاوت‌های فرهنگی و محیطی، یکی از عوامل مهم اختلال در سازگاری رفتاری کودکان است. با این حال، در تبیین نتایج باید افزود که اضطراب جدایی همیشه فقط به شکل ترس یا وابستگی بروز نمی‌کند بلکه می‌تواند در قالب اجتناب، مقاومت، مخالفت‌ورزی، شکایت‌های جسمانی و بی‌قراری نیز ظاهر شود؛ به همین دلیل، رابطه آن با رفتارهای سازش‌نا یافته معنادار شده است. تفاوت‌های احتمالی بین نتایج این پژوهش و برخی مطالعات دیگر نیز ممکن است به تفاوت در تعریف عملیاتی رفتارهای سازش‌نا یافته، نوع نمونه‌گیری یا شرایط اجتماعی کودکان مربوط باشد. در مجموع، این یافته تأیید می‌کند که بخش مهمی از ناسازگاری رفتاری کودک ریشه در ناایمنی هیجانی و دشواری او در تحمل جدایی دارد.

در فرضیه سوم، نتایج نشان داد که مهارت‌های ارتباطی اثر منفی و معناداری بر رفتارهای پرخاشگرانه دارد. این یافته با نتایج کیم و همکاران (۲۰۱۱)، رافعی (۱۳۹۱) و اسمیت و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. مقایسه این نتایج با پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که در اغلب مطالعات، ضعف در ارتباط مؤثر با افزایش رفتارهای برون‌ریزی‌شده، به‌ویژه پرخاشگری، همراه بوده است. دلیل این همسویی آن است که بسیاری از جلوه‌های پرخاشگری در کودکان، درواقع جایگزینی برای ناتوانی در بیان کلامی هیجان‌ها و خواسته‌هاست. کودکی که قادر نیست خشم، ناراحتی، حسادت یا نیاز خود را به شیوه‌ای مقبول بیان کند، ممکن است از پرخاشگری به‌عنوان ساده‌ترین و در دسترس‌ترین شیوه واکنش استفاده کند. یافته حاضر در مقایسه با پژوهش‌های قبلی، این نکته را تقویت می‌کند که مهارت ارتباطی نه‌تنها در کاهش مشکلات کلی سازگاری، بلکه به‌طور خاص در مهار پاسخ‌های تهاجمی نیز نقش دارد. اگر در برخی مطالعات، شدت این رابطه کمتر یا بیشتر گزارش شده باشد، می‌توان آن را ناشی از تفاوت در سن آزمودنی‌ها، تفاوت در شیوه سنجش پرخاشگری یا شرایط بافتی دانست. در تبیین چرایی این رابطه نیز باید گفت مهارت‌های ارتباطی از طریق افزایش توان گفت‌وگو، تقویت همدلی، درک نشانه‌های اجتماعی و گسترش راهبردهای حل مسئله، دامنه پاسخ‌های سازگارانه کودک را افزایش

می‌دهد و در نتیجه نیاز به واکنش‌های تکانشی و پرخاشگرانه را کاهش می‌دهد. در فرضیه چهارم، یافته‌ها نشان داد که نشانگان اضطراب جدایی پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار رفتارهای پرخاشگرانه است. این نتیجه نیز با مطالعات داخلی و خارجی پیشین همخوانی دارد، هرچند در برخی مطالعات، اضطراب جدایی بیشتر با نشانه‌های درون‌ریزی شده مانند ترس، کناره‌گیری و وابستگی بررسی شده است. مزیت یافته حاضر آن است که نشان می‌دهد اضطراب جدایی می‌تواند افزون بر جلوه‌های درونی، پیامدهای برونی و رفتاری نیز داشته باشد. در مقایسه با پیشینه، این پژوهش بر آن دلالت دارد که اضطراب در کودکان همیشه به شکل سکوت، ترس یا کناره‌گیری نمود نمی‌یابد بلکه ممکن است در قالب تحریک‌پذیری، خشم و پرخاشگری نیز آشکار شود. این موضوع به‌ویژه در کودکان پیش‌دبستانی اهمیت دارد؛ زیرا آنان هنوز مهارت کافی برای تنظیم هیجان و بیان پیچیدگی‌های عاطفی خود ندارند. از این‌رو، تنش ناشی از احساس ناایمنی و ترس از جدایی ممکن است به‌صورت واکنش‌های تهاجمی بروز کند. اگر برخی پژوهش‌های پیشین تأکید بیشتری بر ارتباط اضطراب جدایی با مشکلات درونی داشته‌اند، نتایج حاضر نشان می‌دهد که این متغیر می‌تواند هم‌زمان با مشکلات برون‌ریزی شده نیز مرتبط باشد؛ بنابراین، دلیل معنادار بودن این رابطه آن است که اضطراب جدایی آستانه تحمل کودک را کاهش می‌دهد، برانگیختگی هیجانی را بالا می‌برد و توانایی او را برای مهار تکانه‌ها تضعیف می‌کند؛ در نتیجه، احتمال بروز پرخاشگری افزایش می‌یابد.

درمجموع، نتایج این پژوهش در کلیت خود با بخش عمده‌ای از پیشینه پژوهشی همسو است؛ اما فراتر از تأیید یافته‌های قبلی، نشان می‌دهد که در دوره پیش‌دبستانی، مهارت‌های ارتباطی و اضطراب جدایی دو سازوکار کلیدی در شکل‌گیری رفتارهای سازش‌نیافته و پرخاشگرانه هستند. مهارت‌های ارتباطی نقش عامل محافظتی را ایفا می‌کنند؛ زیرا از طریق تسهیل خودابرازی، بهبود تعامل اجتماعی، افزایش درک متقابل و کاهش ناکامی، احتمال بروز مشکلات رفتاری را کاهش می‌دهند. درمقابل، نشانگان اضطراب جدایی نقش عامل خطر را دارند؛ زیرا با برهم زدن احساس امنیت، کاهش تحمل ناکامی و اختلال در تنظیم هیجان، زمینه بروز رفتارهای ناسازگارانه و پرخاشگرانه را فراهم می‌سازند. در نتیجه،

می‌توان گفت یافته‌های حاضر ضمن همسویی با دیدگاه‌های رشد اجتماعی - هیجانی، بر لزوم توجه هم‌زمان به ابعاد ارتباطی و هیجانی در مداخلات حوزه کودکی تأکید دارند. این پژوهش نیز همانند دیگر مطالعات با محدودیت‌هایی همراه بوده است. نخست، طرح پژوهش از نوع همبستگی و رگرسیونی بوده است؛ بنابراین، نمی‌توان بر اساس نتایج درباره روابط علی با اطمینان کامل اظهارنظر کرد. دوم، داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه گردآوری شده‌اند و این امر ممکن است پاسخ‌ها را تحت تأثیر برداشت شخصی یا سوگیری پاسخ‌دهندگان قرار داده باشد. سوم، جامعه آماری پژوهش به کودکان ۴ تا ۶ سال منطقه ۵ شهر تهران محدود بوده است؛ بنابراین، در تعمیم نتایج به سایر مناطق جغرافیایی، بافت‌های فرهنگی و گروه‌های سنی باید احتیاط شود. چهارم، متغیرهای دیگری مانند سبک فرزندپروری، وضعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده، کیفیت دلبستگی، ساختار خانواده و ویژگی‌های خلقی کودک می‌توانند بر رفتارهای سازش‌نایافته و پرخاشگرانه اثرگذار باشند؛ اما در این پژوهش بررسی نشده‌اند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی مراکز پیش‌دبستانی و مهدکودک‌ها بیش از پیش بر تقویت مهارت‌های ارتباطی کودکان متمرکز شوند تا آنان بتوانند احساسات، نیازها و تعارض‌های خود را به شیوه‌ای سازگارانه‌تر بیان کنند. همچنین، آموزش والدین و مربیان درباره شناسایی زودهنگام نشانگان اضطراب جدایی و نحوه برخورد صحیح با آن، می‌تواند در کاهش مشکلات رفتاری کودکان مؤثر باشد. به پژوهشگران آینده نیز پیشنهاد می‌شود این روابط را با استفاده از طرح‌های طولی و مداخله‌ای بررسی کنند تا ماهیت علی آن‌ها روشن‌تر شود. افزون‌براین، بررسی نقش متغیرهای واسطه‌ای و تعدیل‌گر مانند تنظیم هیجان، سبک دلبستگی، سبک فرزندپروری و جنسیت کودک می‌تواند به تبیین دقیق‌تر روابط میان متغیرها کمک کند.

منابع

- بهرامی، ف.، و نریمانی، م. (۱۳۹۴). اثربخشی بازی درمانی بر کاهش مشکلات هیجانی و رفتاری کودکان پیش دبستانی. *مجله روان شناسی مدرسه*، ۴(۲)، ۶۰-۷۰.
- حبیبی، آ. (۱۳۹۳). مدل یابی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی تأییدی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- خدایاری فرد، م.، و یوسفی، ن. (۱۳۹۲). *روان شناسی خانواده و آسیب شناسی روابط خانوادگی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خورشیدوند، ز.، و رضایی، ع. (۱۳۹۶). ویژگی های روان سنجی پرسش نامه اضطراب جدایی بزرگسالی در بین دانشجویان. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، ۲۵(۱)، ۱۶۰-۱۷۰.
- دادستان، پ.، عسگری، ع.، رحیمزاده، س.، و بیات، م. (۱۳۸۹). پرسش نامه غربالگری اختلال های اجتماعی-هیجانی کودکان پیش دبستانی. *روان شناسی تحولی*، ۷(۲۵)، ۷-۲۷.
- رادمنش، ا.، گرجی، ی.، و شریفی، ط. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش بازی درمانی شناختی-رفتاری بر کاهش اضطراب جدایی. در ششمین کنگره علمی-پژوهشی توسعه و ترویج علوم تربیتی و روان شناسی در ایران (صص. ۱۲۳-۱۲۹).
- رافعی، ط. (۱۳۹۱). *حرکت ها و بازی های موزون (ریتمیک): راهنمای مربیان، درمانگران و خانواده ها*. تهران: انتشارات دانژه.
- رافعی، ط.، نریمانی، م.، و حسینی، س. (۱۳۹۸). اثربخشی بازی های حرکتی - ریتمیک بر رشد اجتماعی و هیجانی کودکان پیش دبستانی. *مجله روان شناسی تربیتی*، ۱۵(۲)، ۹۵-۱۱۰.
- قنبری، س.، و احدی، ح. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش مهارت های زندگی بر بهبود مهارت های اجتماعی دانش آموزان. *فصلنامه روان شناسی مدرسه*، ۱(۴)، ۷۹-۹۴.
- طلایی نژاد، ن.، قنبری، س.، مظاهری، م.، و عسگری، ع. (۱۳۹۵). ویژگی های مقدماتی مقیاس سنجش اضطراب جدایی (فرم والدین). *مجله روان شناسی*، ۲۰(۳)، ۲۲۵-۲۳۵.
- محمدزاده، ح.، سلیمانی، م.، دانشیار، ا.، و دهقانی زاده، ج. (۱۳۹۹). اثربخشی بازی های ریتمیک و گروهی بر مهارت های حرکتی درشت و تعامل اجتماعی کودکان اتیسم.

کودکان استثنایی، ۲۰(۲)، ۶۵-۸۰.

- واحدی، ش.، فرخی، ن.، و یارمحمدیان، ا. (۱۳۸۷). اثربخشی بازی‌درمانی بر کاهش مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی. *مجله پژوهش‌های علوم رفتاری*، ۶(۲)، ۳۷-۴۶.
- Alvarado, S. E., & Cohen, D. A. (2022). Neighborhood conditions, family context, and children's mental health: Evidence from population-based studies. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 63(5), 565-574.
- Avordik, M., Hansen, R., & Keller, P. (2025). Movement-based play interventions and emotional regulation in preschool children: Evidence from controlled studies. *Journal of Early Childhood Research*, 23(2), 145-159.
- Crain, W. (1993). *Theories of development: Concepts and applications* (3rd ed.). Prentice Hall.
- Dai, Y., & Ouyang, N. (2025). Excessive screen time is associated with mental health problems and conduct issues in U.S. children and adolescents.
- De Berardis, D., et al. (2025). Vulnerability factors and mental health outcomes in children and adolescents. *International Journal of Social Psychiatry*.
- Dion, J., Hains, J., Vachon, P., & Bouchard, C. (2024). Risk and protective factors associated with anxiety symptoms in children and adolescents: A systematic review. *Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health*, 18(1), 1-15.
- Duvegel, E., Trillingsgaard, A., Damm, D., Thomsen, P. H., & Nielsen, S. (2005). Psychiatric, emotional and behavioural problems in children with autism spectrum disorders. *European Child & Adolescent Psychiatry*, 14(5), 275-281.
- Fellinger, J., Holzinger, D., Sattel, H., & Laucht, M. (2012). Mental health and quality of life in children with hearing impairment: A review of the literature. *European Child & Adolescent Psychiatry*, 21(9), 507-514.
- Hoelter, J. W. (1983). The analysis of covariance structures: Goodness-of-fit indices. *Sociological Methods & Research*, 11(3), 325 - 344.
- Kazdin, A. E. (2019). *Parent management training* (Updated ed.). Oxford University Press.
- Kim, J. S., & Kim, H. S. (2011). The effects of child-centered play therapy on children's emotional and behavioral problems: A meta-analysis. *Journal of Counseling & Development*, 89(2), 211-219.
- Kline, R. B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling* (3rd ed.). The Guilford Press.
- Lomas, T., Medina, J. C., Ivztan, I., Rupprecht, S., & Hart, R. (2021). The impact of mindfulness and movement-based interventions on children's psychological well-being: A systematic review. *Frontiers in Psychology*, 12, 648712.
- Miller, D. C., Micgie, A., & Miller, M. A. (1997). *Kindergarten inventory of social/emotional tendencies (KIST)*. Kindergarten Interventions and Diagnostic Services.
- Nelson, K. (2000). Narrative, time, and the emergence of the autobiographical self. *Psychological Science*, 11(1), 60-63.
- Peterson, C., Mares, K., & Moon, S. (2020). The role of family environment and parental

- factors in childhood anxiety disorders. *Journal of Child and Family Studies*, 29(5), 1331–1342.
- Pradhan, B., & Chopra, A. (2008). Effect of rhythmic movement and music on attention and emotional regulation in children. *Indian Journal of Psychiatry*, 50(3), 167–172.
- Sánchez, Z. M., Ballester, L., & Ortega-Barón, J. (2025). Digital media use, family environment, and mental health outcomes in children and adolescents: A systematic review. *Computers in Human Behavior*, 154, 108135.
- Schreiber, J. B., Nora, A., Stage, F. K., Barlow, E. A., & King, J. (2006). Reporting structural equation modeling and confirmatory factor analysis results: A review. *The Journal of Educational Research*, 99(6), 323 - 338.
- Schreiber, F., Heimlich, C., & Huber, R. (2006). Separation anxiety disorder in childhood: Epidemiology, diagnosis and treatment. *Zeitschrift für Kinder- und Jugendpsychiatrie und Psychotherapie*, 34(5), 345–356.
- Smith, J. D., Berkel, C., & Jordan, N. (2020). An implementation science perspective on parenting interventions: Advances and future directions. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 23(2), 237–259.
- Stetsenko, A. (2017). *The transformative mind: Expanding Vygotsky's approach to development and education*. Cambridge University Press.
- Tutkan, E., & Meral, B. F. (2025). The effects of rhythmic movement and music-based activities on social and emotional development in early childhood. *Early Child Development and Care*, 195(4), 512–524.
- White, B. M., Prasad, R., Ammar, N., Yuan, J. A., & Shaban-Nejad, A. (2025). Digital health innovations for childhood adversity. *arXiv*.
- Wood, M. K., Kendall, K. M., & Thompson, J. L. (2021). Parental factors associated with separation anxiety disorder. *Journal of Early Childhood Research*, 19(3), 221–234.